

# واعظ درونی و فواید آن/علت بیراهه رفتن و انکار روز قیامت

## ۲

آیت الله العظمی مدرس در دومین جلسه تدبیر در سوره قیامت با اشاره به علت بیراهه رفتن و انکار قیامت به تنها راه فرار و پناهگاه در قیامت اشاره نمودند و در ضمن درباره اهمیت داشتن واعظ درونی نکاتی بیان کردند که در ادامه می آید.

بسم رب المهدی(عج)

به گزارش پایگاه اینترنتی دست نوشته های معارفی امیرمحسن سلطان احمدی (سلطان احمدی دات آی آر)؛ دومین جلسه تفسیر و تدبیر در سوره قیامت توسط **آیت الله العظمی سید محمدتقی مدرس** (دام ظلّه) از مراجع معظم تقلید کربلای معلی و مفسر تفسیر "من هدی القرآن (هدایت)" بامداد پنج شنبه دوم خرداد ماه ۱۳۹۸ برابر با ۱۷ ماه مبارک رمضان در دفتر تهران ایشان با محوریت **تفسیر آیات ۵ تا ۱۲ سوره قیامت** برگزار شد.

خداوند در این آیات می فرماید:

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ۗ ﴿٥﴾

انسان شک در معاد ندارد بلکه او می خواهد آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت در تمام عمر گناه کند

يَسْأَلُ أَلْ أَيْسَانِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ ﴿٦﴾

از این رو می پرسد قیامت کی خواهد بود

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ۗ ﴿٧﴾

بگو در آن هنگام که چشمها از شدت وحشت به گردش در آید

وَذَسَفَ الْقَمَرُ ۗ ﴿٨﴾

و ماه بی نور گردد

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾

و خورشید و ماه یک جا جمع شوند

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَارِجُ ﴿١٠﴾

آن روز انسان می گوید راه فرار کجاست

كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾

هرگز چنین نیست راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾

آن روز قرارگاه نهایی تنها بسوی پروردگار تو است

برخی موضوعات این جلسه: چرا برخی بیراهه می روند و شبهه ایجاد می کنند؟/دلیل انکار قیامت/ اصلاح جنبه های منفی درونی با قرآن / لزوم داشتن واعظ درونی و اهمیت آن /چشم دریچه روح انسان/علت بیان قصص در قرآن/ قطعی بودن قیامت و انکار و فرار از آن/بی نور شدن ماه و خورشید در قیامت

اینک در ادامه مشروح بیانات معظم له تقدیم شما معارف جویان عزیز و همراهان گرامی می گردد.



مشروح بیانات معظم له در این جلسه به شرح زیر است:

### بشر موجودی پیچیده با مجموعه نیروهای مختلف

بشر یک موجود پیچیده ای است که در او مجموعه بزرگی از نیروهای مختلف وجود دارد. برخی از این نیروهای مختلف بشر شامل علم، عقل، فطرت، وجدان است و در نقطه مقابل نیروهایی همچون شهوت، جهل، غفلت و امثال آن در بشر وجود دارد. و خداوند سبحان و تعالی می فرماید: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»، (آیه ۵۴ سوره کهف: ولی انسان بیش از هر چیز، به مجادله می پردازد! )

### استفاده انسان از همه ابزارها و نیروها برای جلوگیری از انحراف

به نظر بنده کلمه «جَدَل» به معنای پیچیدگی است. حسب این آیه و تفسیر آن انسان از همه چیز پیچیده تر است. و در جای دیگر خداوند می فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ»، (آیه ۲ سوره انسان: ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم.) حالا در کنار این پیچیدگی بشر خداوند می فرماید ما او را از نطفه ای مختلط آفریدیم. به همین دلیل انسان در برابر انحرافات، جهل، غفلت، بیماری های روانی نباید از یک نیرو استفاده کند، بلکه باید از تمام ابزارهایی که ممکن است در اصلاح او مفید باشد، از آن استفاده کند.

فرض کنید، فردی بیمار است و او نزد پزشک می رود، پزشک در اولین کار بیماری این فرد را تشخیص می دهد که این فرد مبتلا به چه بیماری است؟ حالا بعد از تشخیص بیماری به او داروی مخصوص آن بیماری را تجویز می کند. پس هر دارویی برای هر بیماری تجویز نمی شود، اول باید مریضی مشخص شود تا داروی مخصوص درمان آن دارو تجویز و استفاده شود. حالا در بحث بیماری های روحی و روانی نیز باید چنین دقتی صورت گیرد و آن مریضی تشخیص داده شود و سپس داروی متناسب با درمان آن بیماری تجویز و مصرف شود.

## چرا برخی بیراهه می روند و شبهه ایجاد می کند؟

### \*افراد با عقل ضعیف

این افرادی که بیراهه می روند و یا اینکه در مسائل دین شبهه ایجاد می کنند، چند دسته هستند. یک دسته از این افراد اشخاصی هستند که مشکل و کمبود عقلی دارند، عقل این افراد این قدر کم است که هنوز نمی فهمند که دو دو تا چهار تا می شود، حالا می آیند شبهه ایجاد می کنند که مگر می شود خدایی دوباره خدا همه را زنده کند! در صورتی که همین خدایی که همه اشیاء را خلق کرده می تواند دوباره همه را خلق کند. قرآن هم می فرماید: « قُلْ يٰۤاٰیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اَطِیْعُوْا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوْا الرَّسُوْلَ وَهُوَ بَرِّکُلٌّ خَلَقَ عَلَیْمٌ ». (آیه ۷۹ سوره یس: بگو: همان کسی آن را زنده می کند که نخستین بار آن را آفرید؛ و او به هر مخلوقی داناست! )

حالا چنین اشخاصی که عقل ضعیفی دارند می آیند می گویند چطور خدا این استخوان های از بین رفته و پوسیده را از نو خلق می کند. خداوند هم می فرماید یادتان رفت قبل از این خلقت شما یک نطفه ای بیش نبودید و چنین انسانی خلق شدید و حالا می گویند چطور خداوند می تواند این استخوان های از بین رفته را خلق کند! چطور خودتان یادتان رفت که از یک نطفه خلق شدید!

چنین اشخاصی با این تفکر و شبهه افکنی مشکل عقلی دارند و مشکل اساسی این اشخاص از عقل آنها است و باید این اشخاص عقل خود را با برهان و دلیل تکمیل کنند.

### \*اراده و تصمیم ضعیف

اما دسته دیگر افرادی هستند که مشکل عقلی و مشکل در دلیل و برهان ندارند، حتی می دانند این راهی که می روند غلط است. این افراد کسانی هستند که اراده ضعیفی دارند، در اراده و تصمیم گیری ضعف دارند که برای اصلاح خود باید از راه دیگری بروند تا اصلاح شود.

### **\*دارای احساسات عاطفی**

دسته دیگر کسانی هستند که زیاد عاطفی هستند و انتخاب های آنها عاطفی است. این افراد به دلیل احساسی شدن به یک سمت و راهی می روند، چون از مردم ترس دارند، یا اینکه می ترسند نان و رزق آنها قطع شود و روزی آنها کم شود. چنین افرادی نیز باید یک جور دیگر اصلاح شوند.

بنابراین همانطور که در مثال گفتیم که شخص مریض باید ابتدا مریضی اش مشخص شود و بعد داروی خاص درمان آن مریضی تجویز شد، در اینجا نیز بشر برای اصلاح خود باید از ابزارهای مختلف استفاده نموده و از راه های مختلف حرکت کند.

### **قرآن اصلاح کننده همه جنبه های منفی انسان**

قرآن تمام جنبه های منفی انسان را اصلاح می کند، قرآن این کتاب آسمانی هم از نظر عقلی، روانی، گذشته و از همه نظر جنبه های منفی انسان را اصلاح می کند و در قرآن برای اصلاح بشر چیزی جا گذاشته نشده است. و می فرماید: « **وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّ لَهُمْ يَتَذَكَّرُونَ** ». (آیه ۲۷ سوره زمر: ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مَثَلی زدیم، شاید متذکر شوند)

### **تذکرات قرآن برای هدایت و نجات از انحراف**

مثلا در قرآن برای تذکر به کسانی که در دنیا طغیان گر و یاوه گر و مستکبر هستند، قصه عاد را متذکر می شود که از قصه قوم عاد درس بگیرند و متذکر شوند. و خطاب به مستکبران خداوند می گوید ما بعضی از امت ها را از شما بیشتر قدرت دادیم ولی سرانجام هدایت نشدند و نابود گشتند. ببینید که فرعون، نمرود، قوم عاد، قوم ثمود، قوم نوح چه شدند و به کجا رسیدند؟! حالا اینجا خطاب قرآن به قدرتمندان است و جریان ستمکاران گذشته را به آنها متذکر می شود.

اما در جای دیگر افراد قدرتمند نیستند و آنها ضعیف هستند و می

گویند از قدرت های ظالم می ترسیم و با این دلیل به راه انحراف می روند. اینجا نیز قرآن برای اصلاح و تذکر به افراد ضعیف مثال آسیه همسر فرعون را می زند و می گوید او یک زن بود که شوهرش حتی ادعای خدایی هم داشت و مثل فرعون در هیچ زمانی در شکنجه گری نیامده است اما همسر چنین کسی در راه هدایت رفت و منحرف نشد.

و قرآن نیز در این باره می فرماید: « **وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِندَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ** ». (و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مَثَل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهائی بخش!). پس می شود کسی در این وضع و شرایط سخت باشد اما از راه الهی منحرف نشود.

یا جریان حضرت یوسف(ع) که با اینکه برده بود و کسی که او را خریده بود بر او مسلط بود و در اختیار او بود و او چیزی نامشروع از یوسف خواست که او قبول نکرد و زندان را بهتر از این اطاعت دانست.

### **علت بیان قصص مستکبران و مستضعفان در قرآن**

بنابراین خداوند در قرآن هم قصه مستکبران و هم قصه مستضعفان را بیان کرده و عاقبت آنها را نیز سنجیده و ذکر کرده است و این قصص در قرآن پند و تذکر برای ما است. پس از راه های مختلف خدا برای ما مثال زده و گفته شما خود را با یکی از این مثال ها تطبیق دهید.

### **متذکر شدن از راه های مختلف برای مقابله با انحراف**

بیان شد که برای اینکه راه انحراف نرویم متذکر شویم. حالا نکته دوم اینکه ما در این متذکر شدن باید از راه های مختلف استفاده کنیم. اگر با مردم صحبت می کنیم یا اینکه با حدیث نفس خود در صحبت هستیم باید از راه های مختلف حرف بزنیم.

برای روشن شدن بحث مثالی می زنم؛ فرض کنید مثلا امشب می خواهید برای نماز شب بلند شوید، یا فردا روزه بگیرید؛ شیطان راه های مختلف دارد و برای انصراف شما از راه های مختلف وارد می شود و می

گوید اگر برای نماز شب بیدار شوی، خسته می شوی؛ یا می گوید مردم مسخره ات می کنند، دید منصرف نشدید باز حرفی دیگر می زند و از راه هاب مختلف شما را برای منصرف کردن وسوسه می کند. حالا در مقابل این وساوس شیطان شما هم سکوت نکن شما هم به نفس خود بگویید: ای نفس گول این شیطان را نخور، مواظب باش شیطان گولت نزند، او دروغ می گوید روزه ات را بگیر یا برای نماز شب بیدار شو!

## نقش واعظ درون در انحراف نرفتن انسان

در این شب های ماه مبارک رمضان دل ما می خواهد که چیزی از این مجالس معنوی دستگیرمان شود که بعد از ماه رمضان به عنوان سوغاتی آن را ببریم، نه اینکه ماه رمضان تمام شود و ما دست خالی باشیم. مهم ترین انسان کسی است که خودش برای خودش پند دهنده باشد.

حضرت فرمودند: کسی که واعظی از خود برای خود نداشته باشد هیچ خیری نمی بیند [۱]. باید هر کس یک واعظ درونی داشته باشد که خودش، خودش را پند دهد، تزکیه کند، اصلاح کند و منتظر نشود کسی دیگر به او تذکر بدهد، همین نفس لوازمه می تواند واعظ درونی ما باشد و شما هم حرف آن را قبول کنید.

### واعظ درونی حضرت عباس(ع) و تذکر دادن به نفسشان

حضرت عباس(ع) وقتی که به آب رسید و آب نخوردند خطاب به نفس خود گفت: « يَا نَفْسُ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ هُونِي؛ وَ بَعْدَهُ لَا كُنْتُ أَنْ تَكُونِي؛ هَذَا حُسَيْنٌ وَارِدُ الْمَدُونِ؛ وَ تَشْرَبِينَ بَارِدَ الْمَعِينِ»، (ای نفس (عباس)! زندگی پس از حسین علیه السلام خواری و ذلت است، مبادا پس از او زنده بمانی. این حسین است که شربت مرگ می نوشد و تو می خواهی آب سرد و گوارا بنوشی؟! امام حسین(ع) دارد شربت شهادت می نوشد و تو می خواهی آب گوارا بنوشی! پس انسان باید خود را موعظه کند. چند شعر هم حضرت عباس(ع) در این باره دارد که خطاب به خودش می کند.

### آیه ۶ سوره قیامت و پرسش از روز قیامت و نظر معظم له / مگر قیامت هست؟!

حسب آیات چون بشر با عقل خود یا لااقل این احتمال را می دهد که آخرت، قبر و قیامت هست، با توجه به این جهت دلش می خواهد متمرد باشد و هر کاری که می کند، کسی چیزی به او نگوید! به این دلیل می

گوید: «يَسْأَلُ أَيْسَانُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (آیه ۶ سوره قیامت: از این‌رو می‌پرسد قیامت کی خواهد بود؟! ) بنابراین به این دلیل انسان متمرّد چون در اعماق وجودش و همچنین با رجوع به عقل خود می‌داند که قیامتی هست، نمی‌خواهد کسی دیگر هم به او تذکر دهد .

«أَيْسَانُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، به نظر بنده ولو اینکه مفسرین ذکر نکردند این است که ما دو حرف استفهام داریم، یکی "این" و دیگری "متی" است، یعنی: کو، کجا. حتی در تعابیر فارسی هم می‌گوییم: "کو" "کجا". کلمه "أَيْسَانُ" هر دو را دارد. دلش می‌خواهد بگوید که قیامتی نیست، اما از آن طرف اگر هم هست می‌خواهد بگوید خیلی دور است.

دلیلش چیست که انسان چنین می‌گوید؟ در آیه قبل دلیل را بیان کرده و می‌فرماید: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ»، (آیه ۵ سوره قیامت: انسان شک در معاد ندارد بلکه او می‌خواهد آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت در تمام عمر گناه کند.) چون انسان می‌خواهد از اطاعت خداوند سبحان و تعالی سر باز بزند و تمرد کند، شروع به تشکیک می‌کند که چه کسی چنین گفته که قبر و قیامتی هست؟!

### تذکری که چند آمریکایی را مسلمان کرد!

یک مثال بزنم؛ در یمن اطراف صنعا آثار باستانی است که یک عده آمریکایی سالهای گذشته به آنجا رفتند و دیدند یک مژده ای را آوردند و در آنجا دفن کردند. این آمریکایی به خودشان گفتند: اینکه مسلمانان می‌گویند در قبر عذاب هست و ملک می‌آید، جریان آن چیست؟ بیایم یک سری دوربین های حساس را آنجا بگذاریم که فیلم برداری و عکس برداری کند تا بدانیم چه خبر است!

وقتی میت دفن شد و اطرافیان هم رفتند، اینها دوربین هایی را در قبر کار گذاشتند و رفتند. فردا که آمدند از عکس خبری نبود ولی همان لحظه همه وسایل خود را برداشتند و به آمریکا رفتند! و در آمریکا هم مسلمان شدند! اینها دیده بودند که تمام کابلهایی که برای دوربین نصب کرده بودند، همه آنها حتی دوربین سوخته است! از این جریان فهمیدند که یک چیزی اینجا هست.

حالا افرادی که می‌خواهند خود را توجیح و راضی کند تا هر غلطی خواست انجام دهد، چون این تفکر را دارند، خدا هم یک شوک به او می



زند و یک حرکت عاطفی و احساساتی قوی به او می دهد که این فرد بیدار شود و بداند که اینجور او فکر می کند نیست.

### متحیر شدن چشم در قیامت از شدت وحشت / چشم دریچه روح

این افراد با این لفاظی و تفکر و خیالبافی خود را از آخرت دور می کند. که در ادامه خداوند درباره روز قیامت می فرماید: « **فَإِذَا بَرِقَ الْبَرْقُ** »، (آیه ۷ سوره قیامت: بگو در آن هنگام که چشمها از شدت وحشت به گردش در آید.) در این آیه خداوند در پاسخ به این خیالبافی که قیامت کجاست؟ فرموده اند که در روز قیامت انسان در آنجا این قدر حالت تحیر برای او روی می دهد که چشمش چیزی را نمی بیند.

این چشم دریچه روح انسان است به حدی که اگر انسان می خواهد کسی را بشناسد که در چه حالتی هست که آن فرد خوشش یا بدش می آید؟ می گویند به چشمش نگاه کنید! چون در چشم تمام حالات روحی و روانی مشخص شده است. در اینجا نیز چون روز قیامت هول های زیادی دارد، چشم انسان متحیر است که چکار کند! انسان این قدر حالت تحیر به او دست می دهد که از شدت تحیر چیزی را نمی بیند. که خداوند فرمودند: « **فَإِذَا بَرِقَ الْبَرْقُ** ».

### بی نور شدن ماه و خورشید در قیامت

در آیه بعد خداوند به بی نور شدن ماه در روز قیامت اشاره فرموده و می فرماید: « **وَخَسَفَ الْقَمَرُ** »، (آیه ۸ سوره انسان: و ماه بی نور گردد) در اینجا بعضی «**خَسَفَ**» و بعضی «**خُسَفَ**» گفته اند. حالا چرا برخی گفته اند: «**خُسَفَ**» به این دلیل که ماه تابناکی خود را در روز قیامت به وسیله چیز دیگری از دست می دهد، مثل خسوف ماه که در بعضی از ایام سال در دنیا اتفاق می افتد. اما «**خَسَفَ**» یعنی اینکه یک وقت خودش نورش از بین می رود و آن تابناکی را از دست می دهد و کس دیگری یا چیز دیگری باعث نشد تا نورش را از دست بدهد.

تازه فقط قمر نیست که نورش را از دست می دهد، خورشید هم هست! در آیه بعد خداوند می فرماید: « **وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ** »، (آیه ۹ سوره انسان: و خورشید و ماه یک جا جمع شوند) خورشید هم مانند ماه نورش را از دست می دهد.

روایت از حضرت صادق(علیه السلام) است که می فرماید: خورشید دو چیز

نور و نار دارد، یعنی نور و آتش دارد. در روز قیامت نورش را خدا به بهشت می فرستند و نار آن را به جهنم می فرستند. آتش خورشید که الان چند درجه حرارت دارد که ما تحمل آن را نداریم، به جهنم می رود و نور آن هم به بهشت می رود و خودش یک موجودی می شود که دیگر نه نور دارد و نه نار.

دلیل ندارم اما به نظرم با این اتفاق، شاید این نظام جاذبه ای که الان حاکم بر دنیا است، این منظومه شمسی از بین می رود و اگر از بین رفت همه چیز به هم می خورد.

در علم نوین جاذبه همان چیزی است که تمام افلاک را نگه داشته است و خداوند نیز می فرماید: «فَلَا أُقْسِمُ بِمَوْاِقِعِ الذُّجُومِ؛ وَإِنَّهُ لَلْقَاسِمُ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ» (آیه ۷۵ و ۷۶ سوره بقره: سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها!! و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید!) و این خیلی مهم و بسیار دقیق است که با جاذبه این ستارگان نگه داشته شده اند.

## انکار قیامت توسط انسان در دنیا و دنبال راه فرار بودن در قیامت

حالا انسانی که تا الان می گفت: «يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»، قیامت کو و کجاست؟ اکنون در قیامت می گوید راه فرار کجاست؟ «يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرَجُ»؛ (آیه ۱۰ سوره قیامت: آن روز انسان می گوید راه فرار کجاست؟) این انسان تا دیروز موضوع قیامت را به چالش انداخته بود و می گفت قیامت کجاست؟ اکنون که به قیامت رسیده می گوید: راه فرار کجاست؟

شخص ملحدی به نام عبدالکریم بن ابی العوجاء [۲] لعنت الله علیه که بسیار ملحد و پست بود و بسیار با حضرت صادق(علیه السلام) درباره خدا و پیامبر(ص) بحث می کرد. در روایت است که یک دفعه آمد و گفت: امروز چه دلیلی دارید؟ حضرت فرمودند بیا امروز یک چیز دیگری بگوییم و آن اینکه به فرض تو دیگر نه قبر و نه قیامت نیست، حالا اگر من مردم چه می شود؟ گفت: تمام می شود و مرگ آخر راه است! حضرت گفتند اگر حرف من درست بود تو وضعت چطور می شود؟ اگر احتمالا حرف من درست بود که قبر و قیامت هست، تو چکار می کنی؟ و وضعت چطور می شود؟ جوابی نداشت و سرش را انداخت پایین و رفت.

این طرف قصه همه چیز تمام شد! اما آن طرف تازه برزخ و قبر و

قیامت شروع شده است. خدا یک شوک می زند که این افراد غافل بیدار شوند و بدانند آن روز که خورشید و ماه با هم جمع می شوند، دیگر راه فراری نیست که در آیه بعد خداوند می فرماید: «**كَلَّا لَا**» **وَزَرَ**». (آیه ۱۱ سوره قیامت: هرگز چنین نیست راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد.)

### منظور از «**وَزَرَ**»

در تعبیر «**وَزَرَ**» گفتند به معنای کوه است. وقتی که لشکری به مردم تهاجم می کرد مردم به کوه پناه می بردند که آنجا بهتر بتوانند دفاع کنند، از این جهت پناهگاه عرب را «**وَزَرَ**» گذاشته اند و به همین دلیل وزیر هم پناهگاه پادشاه است، که هر وقت پادشاه گیر می کند به وزیر پناه می برد.

### لزوم اتقاد به قیامت و تنها راه فرار و پناهگاه در قیامت

حالا در این آیه خداوند می فرماید: «**كَلَّا لَا** **وَزَرَ**»، در قیامت جای پناهگاه وجود ندارد و پناهگاهی نخواهید پیدا کرد. پس در چنین روزی که هیچ پناهگاهی نیست، چکار کنیم؟ در آیه بعد خداوند می فرماید: «**إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ**»، (آیه ۱۲ سوره قیامت: آن روز قرارگاه نهایی تنها بسوی پروردگار تو است.) پس بدانید هیچ راه فراری ندارید و باید به سوی خدا برگردید. که در جایی دیگر خداوند می فرماید: «**فَافِرُّوا إِلَى اللَّهِ** **إِن نَّيَّ لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ**» (آیه ۵۰ سوره ذاریات: پس به سوی خدا بگریزید که من شما را از طرف او بیم دهنده ای آشکارم.)

در این آیه «**إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ**» این آیه یک طرف در آن هشدار و از طرف دیگر رحمت الهی است. الی ربک این کلمه رب پروردگار است و پروردگار یعنی پرورش و پرورش یعنی اینکه ما از روزی که نطفه بودیم، همه لحظات خدا با ما بوده و ما را نوازش نموده و بزرگ کرده است و لطف او شامل حال ما بوده است. بنابراین در آیه قبل که بیان شده راه فرار کجاست؟ راه فراری هست! اما این راه فرار کوه و دره و پناهگاه نیست، بلکه این راه فرار یا اینکه تنها راه فرار فقط خداوند است. که فرمود: «**إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ**». پس باید به سوی خدا رفت و اگر یک مقدار به خدا توجه کنید او نیز به شما لطف خواهد کرد.

شبهه های امروزی همان حرفهای دیروز شبهه انگیزان شیطانی

افلاطون درباره فرار از خدا نظری گفته بود و آن را به پیامبر(ص) گفتند. حضرت فرمود: چنین نیست. بنابراین اگر انسان در کوچه بازار حرفی شنید و نتوانست آن را هضم کند و جواب آن را بدهد، باید نزد عالمی برود یا به کتابی مراجعه کنید و نباید سریع آن حرف کوچه و بازاری را قبول کند و بگوید صحیح است. این شبهه هایی که امروز پخش می کنند همه دروغ های شاخ دار است، دروغ هایی که از قدیم هم بوده ولی الان با وجود اینترنت آن را در این فضای مجازی پخش کرده اند در صورتی که حرف تازه و جدیدی نیست و همان حرف های ابلیس ولی با یک ترفند جدید است.

### هرگز از لطف خدا ناامید نشوید

روز قیامت خدا امر می کند این فرد را به جهنم ببرید ولی آن فرد در حین رفتن برمی گشت و پشت سرش را نگاه می کرد. تا اینکه خدا خطاب کرد چه می خواهی؟ آن فرد گفت: خدایا من اصلا این جور فکر نمی کردم که آخر تو مرا به جهنم بفرستی! من گمانم به تو چنین نبود! خدا خطاب به ملائکه می کند و می گوید: این فرد در دنیا یک لحظه هم به من خوش گمان نبود، اگر بود او را نمی ترساندم اما او را به بهشت ببرید.

درست است خدا منتقم است، خدا جبار است، ولی از طرف دیگر ارحم الرحمین است. اگر هر چه کرده اید، هرگز با خدا قطع رابطه نکنید، امیدتان را کلا قطع نکنید و آن رابطه را با خدا ادامه بدهید که ان شاءالله خدا هم لطف می کند. «إِلَّا لِي رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ».

پدیدآورنده:

به قلم: امیرمحسن سلطان احمدی

[www.soltanahmadi.ir](http://www.soltanahmadi.ir)

پی نوشت ها :

[۱] \* تحف العقول : ۲۸۰ منتخب میزان الحکمه : ۶۰۰

الإمامُ زينُ العابدینِ عليه السلامُ : ابنُ آدمَ ، إنَّكَ لا تَزَالُ بِخَيْرٍ ما كانَ لَكَ وَاَعْطُ مِنْ نَفْسِكَ ، وما كانتِ الْمُحاسِبَةُ مِنْ هَمِّكَ ، وما كانَ الخَوْفُ لَكَ شِعَارًا ، والحَذَرُ لَكَ دِثَارًا . امام سجّاد عليه السلام : ای فرزند آدم !

تا زمانی که واعظی از درون داری و به حسابرسی (اعمالِ خود) اهتمام می‌ورزی و ترس (از خدا و کیفر الهی) جامه زیرین تو باشد و پرهیز بالاپوشت ، پیوسته در خیر و صلاح خواهی بود .

[\[۲\]](#) عبدالکریم بن ابی العوجاء یکی از افرادی است که در سده دوم هجری/هشتم میلادی به زندیق معروف بودند. وی بدون ترس، در مراکز مقدس مسلمانان حاضر شده، به اظهار عقاید خود می‌پرداخت.